

نامه های



منصور هاشمی خراسانی

شماره: ۲

موضوع: نامه‌ای از آن جناب برای یکی از یارانش که در آن او را پند می‌دهد و از دنیاگرایی بر حذر می‌دارد.

بسم الله الرحمن الرحيم

عبد الله پسر حبیب ما را خبر داد، گفت: حضرت منصور هاشمی خراسانی برای من نامه‌ای نوشت و در آن پس از نام خداوند و ستایش او و درود بر پیامبر و خاندانش فرمود:

«و اما بعد..»

ای عبد الله پسر حبیب! بدان که رستگاری، عاقبت پرهیزکاران است و پرهیزکاری عنوان عبادت خداوند و عبادت خداوند، همان اطاعت اوست و اطاعت او، عمل به واجبات و پرهیز از محرماتی است که در کتاب خود و سنت پیامبرش بیان فرموده است. پس بندگان خداوند، پرهیزکارانی هستند که نیکوکارانی راست‌گفتار و پارسایانی خویشتن‌دارند؛ آن‌ها که دل‌هاشان از بیم خداوند لرزیده و به امید او در جای خود قرار یافته؛ آن‌ها که لب‌هاشان از ذکر بسیار خشکیده و شکم‌هاشان از روزه‌ی پیایی لاغر گردیده؛ آن‌ها که نفس‌هاشان از دام هوس گسسته و بر رخسارشان غبار فروتنی نشسته؛ آن‌ها که یاد مرگ دل‌هاشان را پرداخته و آخرت دنیا را از چشمشان انداخته؛ دغدغه‌ی تکالیف، خواب را از آن‌ها ربوده و پروای حقوق، خوراک را از آن‌ها گرفته است. با آن‌چه مردم گریزانند، مأنوسند و از آن‌چه مردم مأنوسند، گریزانند. می‌دانند که به زودی رهسپار دیار دیگری هستند و باید برای این سفر توشه‌ای بگیرند. می‌دانند که راه درازی در پیش دارند و باید از گردنه‌های صعب العبوری بگذرند؛ راهی که روندگانش هرگز باز نگشتند و گردنه‌هایی که گویی مسافرانش را بلعید. آه که چه امروز به فردا نزدیک است! پس آن‌ها در اندیشه‌ی این سفر می‌گیرند و خود را برای آن مهیا می‌سازند؛ چنانکه گویی نفس‌های آخر را می‌کشند یا پیش از آنکه بمیرند، مرده‌اند.

ای عبد الله! آن‌ها دنیا را شناخته‌اند و ارزش آن را سنجیده‌اند؛ پس آن را کالایی بی‌ارج یافته‌اند و از آن روی برتافته‌اند.

ای عبد الله! تو نیز دنیا را بشناس؛ زیرا کسی که چاه را می‌شناسد خود را در آن نمی‌اندازد و کسی که از زهر آگاه است آن را نمی‌نوشد.

ای عبد الله! من دنیا را به تو می‌شناسانم. دنیا چون زنی است که کابین او مرگ است یا روسپی بی‌آبرویی است که اجرت او ننگ است. زنهار! او را به همسری نگیر و با او همبستر نشو؛ چرا که این بی‌وفا، شوهرانش را کشته و میراث‌شان را به تاراج برده و عاشقانش را خواب کرده و دارایی‌شان را به سرقت برده است. زنهار! با آرایش خود دلت را نرباید و با عشوه‌هایش تو را نفریبد.

ای عبد الله! من دنیا را به تو می‌شناسانم. دنیا چون چاهی است خشکیده یا به انواع نجاسات آلوده؛ پس دلو خود را در آن نینداز و آن را آبشخور خود قرار نده.

ای عبد الله! من دنیا را به تو می‌شناسانم. دنیا نردبانی است فرسوده که بر آن اعتمادی نیست؛ یا سوراخ مار را ماند که هر کس در آن دست برده، گزیده؛ یا مرداری که گفتار را می‌خواند و مگس را گرد می‌آورد، ولی شیر را می‌راند و آدمی را نفرت می‌افزاید.

ای عبد الله! دنیا زنی است که نمی‌زاید و درختی است که میوه نمی‌دهد و ابری است که نمی‌بارد و سایه‌ای است که نمی‌پاید. زنهار! آن را تکیه‌گاه خود مگیر؛ چرا که تکیه بر دنیا، تکیه بر باد است و دوستی با آن دوستی با گرگ است و با گرگ چه کسی دوستی تواند کرد؟!

ای عبد الله! دنیا را دوست ندار؛ زیرا دنیا آن را که بیش از همه دوستش داشته، وا گذاشته است. اگر باورت نمی‌آید به گذشتگان بنگر؛ آن‌هایی که روزگاری در کنارت بودند و امروز اثری از آن‌ها نیست. پس سرگذشت آن‌ها را مرور کن و از عواقب آن‌ها عبرت بگیر؛ زیرا آن‌ها انسان‌هایی چون تو بودند که مرگ گلویشان را گرفت و قبر، اجسادشان را بلعید و زمان، آثارشان را محو کرد. آیا می‌پنداری که آنچه بر سر آن‌ها آمد بر سر تو نخواهد آمد؟! چگونه؟! در حالی که بسیاری از آن‌ها قدرتمندتر از تو و بسیاری دیگر ثروتمندتر از تو بودند و با این حال،

قدرت و ثروتشان به آنها سودی نرساند و سرانجام به درون درّه‌ی مرگ سرنگون گردیدند. زنهار! معاشرت با زندگان تو را از مردگان غافل نکند، تا با آنها در تحصیل مال مسابقه دهی و در ساختن خانه‌ها و خریدن ابزارها و گرفتن زن‌ها و فرو رفتن در لذت‌ها؛ چراکه زندگان، مردگان آینده هستند؛ همچنانکه مردگان، زندگان گذشته‌اند.

ای عبد الله! چه بسیار خفتگانی که برنخاستند و روندگانی که باز نگشتند و بیمارانی که بهبود نیافتند. همانا هر که زنده است می‌میرد و هر که می‌خورد، خوراک خاک می‌شود.

ای عبد الله! از مرگ غافل نباش؛ چراکه مرگ از تو غافل نیست و خود را برای آن مهیا کن؛ چراکه نمی‌دانی در کدامین لحظه سر می‌رسد. آرزوهای دراز را رها کن و در پی خواهش‌های نفس نرو. نه به اقبال دنیا شاد شو و نه از اِدبار آن غمگین. مهار خود را از شیطان بگیر و به خلیفه‌ی خداوند در زمین بسپار؛ چرا که شیطان تو را به سوی آتش می‌راند و خلیفه‌ی خداوند در زمین، تو را به سوی بهشت می‌خواند.

ای عبد الله! یاران مهدی کسانی نیستند که معصیت خداوند می‌کنند؛ یاران او کسانی هستند که از گناهان کوچک و بزرگ می‌پرهیزند؛ شب‌ها را به نماز بر می‌خیزند و روزها را به تحصیل علم و تعلیم آن به دیگران می‌پردازند. به وعده‌های خداوند ایمان دارند و از روز جزا می‌هراسند؛ روزی که در پیش‌گاه پروردگار می‌ایستند و کردار خویش را حاضر می‌بینند.

یاران مهدی به اخلاق انبیاء خدا متخلق و به آداب اولیاء او مؤدّب‌اند. حق را چون برایشان آشکار شد می‌پذیرند و باطل را چون برایشان رسوا گشت و می‌گذارند. نه متعصب و لجوج‌اند و نه بدزبان و یاهوگو. بر خداوند دروغ نمی‌بندند و از کسانی که بر او دروغ می‌بندند کناره می‌گیرند. نماز را در وقت فضیلتش برپا می‌دارند و از مال خود به نیازمندان می‌بخشایند. خشم خود را فرو می‌خورند و از جفای مردم در می‌گذرند. پدر و مادر خویش را گرمی می‌دارند و بر بد خلقی آن دو صبر می‌نمایند. به دوستان خود با بهانه‌ی دوستی بی‌احترامی نمی‌کنند و به دشمنان خود با بهانه‌ی دشمنی ستم نمی‌ورزند. با جاهلان مدارا می‌نمایند و با سفیهان دهان به دهان نمی‌گذارند. نه پرگویی و پر خنده‌اند و نه پر خواب و پر خور. مهار شهوت را در دست دارند و جانب عفت را فرو نمی‌گذارند. نه چشم‌چران و بی‌حیایند و نه خودنمای و هرزه‌گوی.

با فاسقان دوستی نمی‌کنند و با ظالمان مجالست نمی‌نمایند. به کارهای سودمند می‌پردازند و وقت خود را هدر نمی‌دهند. با کتاب خداوند مأنوسند و با حلال و حرام آشنايند. تعاليم عالم را منکر نمی‌شوند و از دشمنی با او می‌پرهیزند، بلکه دعوتش را اجابت می‌کنند و به یاری‌اش می‌شتابند؛ هنگامی که آنان را به سوی مهدی دعوت می‌کند تا برای یاری او گرد هم آورد.

ای عبد الله! آیا می‌پنداری کسانی که دعوت من را اجابت می‌کنند و به یاری من می‌شتابند امیدوارند که به بهره‌ای در زندگی دنیا دست یابند؟! چنین نیست؛ چراکه آنان می‌دانند من دنیایی ندارم تا به آنان بدهم و به همراه من جز بیداری شب و دوندگی روز نخواهند داشت، ولی آنان بهشت‌هایی را می‌جویند که از زیر آن‌ها نهرها جاری است و از آتشی می‌گریزند که هیزم آن مردم و سنگ گوگرد است؛ یا می‌پنداری کسانی که با من می‌ستیزند و به دشمنانم یاری می‌رسانند امیدوارند که به بهره‌ای در آخرت دست یابند؟! چنین نیست؛ چراکه آنان می‌دانند از ارباب دنیا جانب‌داری می‌کنند و در خدمت زورمندان و زردارانند و نصیب آنان در آخرت جز آتش نیست. پس مردم را واگذار تا راه خویش را انتخاب کنند؛ چراکه آنان را گزیری از انتخاب نخواهد بود.

ای عبد الله! ما امروز به راه افتاده‌ایم تا دین خود به آل محمد را ادا کنیم و به خدا سوگند در این راه استقامت می‌ورزیم و از ملامت ملامت‌گری نمی‌هراسیم. مقصود ما از این حرکت، زمینه‌سازی برای ظهور مهدی است. مقصود ما ایجاد امکان برای حاکمیت اوست. پس هر که امروز با ما باشد، فردا نیز در کنار ما خواهد بود و ما فردا در کنار کسی خواهیم بود که امروز به سویی در حرکتیم. پس پیشی بگیرید از یکدیگر -خدا شما را رحمت کند-؛ چراکه بندگان شایسته‌ی خدا هستید؛ همان‌ها که در زمین ضعیف شمرده می‌شوند و خدا نمی‌خواهد جز اینکه بر آنان منت نهد و جهان را میراث‌شان قرار دهد. پیشی بگیرید از یکدیگر در یاری مردی که شما را به بهترین راه‌ها رهنمون می‌شود و به بهترین روش‌ها دلالت می‌کند و به بهترین مقاصد فرا می‌خواند، بی‌آنکه از شما مزدی بطلبد یا درباره‌ی خود ادعایی بنماید.

از خداوند برای خود و شما طلب عفو و مغفرت دارم و از او می‌خواهم که ما و شما را از



یاران خود و یاران خلیفه‌اش در زمین قرار دهد؛ چراکه بسیار دهش‌گر و مهربان‌گیز است و گناه را می‌آمرزد و دعا را مستجاب می‌کند.

و السَّلام علیکم و رحمت الله».



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر معصوم‌ها شیخ خراسانی



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر معصوم‌ها شیخ خراسانی حفظه الله تعالى



* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.

صفحه توییتر پایگاه

صفحه اینستاگرام پایگاه

صفحه تلگرام پایگاه

صفحه فیس‌بوک پایگاه

لینک مطالب دفتر